

شایسته سالاری؛ کاری که انتظار مردم است

مهدی مدیر



نمود شایسته سالاری در امر استخدام مامورین دولتی، یکی از مشکلات اصلی دولت افغانستان بوده است. حد اقل در طول یک و نیم دهه گذشته، شایسته سالاری در استخدام مامورین و مقامات عالی رتبه دولتی، در نظر گرفته نشده است و همواره روابط سیاسی و قومی در استخدام افراد نقش داشته است.

حکومت قبلی به رهبری آقای کرزی همواره بخاطر عدم رعایت شایسته سالاری در استخدام مامورین مورد انتقاد قرار داشت، اما حکومت وحدت ملی در دو سال گذشته نیز نتوانسته است این امر را در نظر بگیرد و افراد شایسته را در پست های مهم دولتی بگمارد. پیام ویدیویی رئیس جمهور و سخنانی در این رابطه را می شود نوعی اعتراف تلخ دانست.

عدم رعایت شایسته سالاری و نقش داشتن واسطه و پارٹی در امر استخدام مامورین دولتی، باعث شده است که مدیران ضعیف، غیر مسلکی و بی تجربه، پست های بلند دولتی را در اختیار بگیرند. آنها به دلیل نداشتن توانایی مدیریتی، نه تنها باعث پیشرفت اداره تحت امر شان نشده است، بلکه نقش مستقیم در از یاد فساد اداری و عدم آمدن تغییر در سطح کلی، داشته اند. یکی از دلایلی که میلیاردها دالر کمک جهانی نتوانسته به انکشاف و توسعه

ی افغانستان کمک بکند، ضعف مدیریتی و ضعف مامورین دولتی باعث شده است که توسعه ی زیربنای صورت نگیرد و ارائه خدمات دولتی بصورت درست انجام نشود. این روزها این ضعف مدیریتی در نهادهای امنیتی کشور، وضعیت امنیتی کشور در یک حالت بحرانی قرار داده است و چندین ولایت کشور با تهدید جدی امنیتی مواجه است.

علاوه بر اینکه شایسته سالاری در مقامات دولتی بر اثر فشارهای سیاسی می دهد که نشان می دهد که رهبران وحدت ملی همانند سایر وعده های شان، به این استفاده از وظیفه و ضعف مدیریتی، شایسته سالاری و انتخاب افراد مسلکی در پست های دولتی، همچنان یک شعار و یک وعده باقی مانده است.

رئیس جمهور در بخش دیگری از پیامش گفته است که بعد از این مدیران ناموفق، بعد از بررسی ها از وظیفه شان سبک دوش خواهند شد. او خطاب به مسئولین بلند رتبه دولتی گفته است: «کسانی که نتوانند پلان درست برای اداره خود تهیه کنند و یا نتوانند بودجه انکشافی خود را مطابق با پلان به مصرف برسانند، به عنوان مدیران ناموفق شناخته شده و بعد از بررسی کارنامه ناکام شان قابل سبک دوشی از وظیفه خواهند بود.»

انتظار می رود رئیس جمهور به این گفته اش عمل کند و مدیران ناموفق دولتی را از وظایف شان سبک دوش کنند. اگر اراده برای آوردن شفافیت و بهبود در ادارات دولتی وجود داشته باشد و شایسته سالاری و تخصصی سازی ادارات دولتی هدف اصلی رهبران حکومت گردد، شناسایی مدیران ناموفق کار ساده و آسانی خواهد بود.

یکی از راههای شناسایی چنین افراد، مصرف موثر بودجه انکشافی ادارات شان خواهد بود. همه ساله یکی از مشکلات اصلی ادارات مصرف نکردن بودجه انکشافی بوده است. بسیاری از ولایت ها و وزارت خانه ها حتی کمتر از نصف بودجه انکشافی شان را به مصرف می رسانند. این نشان می دهد که آنها توانایی پلان و برنامه ریزی بودجی را نداشته اند و به ناچار دوباره بودجه را به خزانه دولت بازگشایند. اگر مسئولینی که نمی توانند بودجه انکشافی شان را بصورت درست مصرف کنند، از وظیفه برکنار نشوند، بعد از آن مسئولین دولتی تلاش خواهند کرد که برای به مصرف رساندن بودجه ی اداره شان طرح و برنامه بزنند و این روند خود بخود به سراسری شدن توسعه و انکشاف در ولایت ها و نقاط روستا در دست کشور کمک می کند.

رعایت شایسته سالاری در استخدام مسئولین بلند رتبه و مامورین پایین رتبه دولتی، یکی از انتظارات جدی مردم افغانستان از حکومت وحدت ملی است. مردم افغانستان همواره از این موضوع در رنج بوده اند و بسیاری از افراد شایسته مقامات ادارات دولتی، نتوانسته اند در ادارات دولتی جذب گردند و با استفاده از توانمندی های شان در راستای پیشرفت کشور شان کمک بکنند.

سخنان رئیس جمهور در پیام ویدیویی اش به مردم افغانستان نشان می دهد که مقامات دولتی متوجه شده اند که رعایت نکردن شایسته سالاری در استخدام مسئولین دولتی چه اندازه به ضرر آینده ی کشور و روند توسعه و انکشاف افغانستان است. این انتظار مردم این است که حکومت تلاش ورزد تا شایسته سالاری را در ادارات دولتی نهادینه سازد و ادارات دولتی را مسلکی و تخصصی بسازند.

رئیس جمهور غنی در پیام ویدیویی که شامگاه یکشنبه از تلویزیون ملی به نشر رسید، دلیل اصلی مشکلات امنیتی در ولایت های قندوز، هلمند، ارزگان و سایر ولایت های کشور را سپردن وظایف مهم به افراد غیر مسلکی و نالایق دانسته است.

رئیس جمهور در این پیام خود گفته است: «باید تعیینات در مناصب نظامی به دور از ملاحظات سیاسی و به دور از مداخلات زورمندان و حلقات مافیایی صورت بگیرد. بخش عمده مشکلاتی که در دو سال گذشته در قندوز، هلمند، ارزگان و سایر نواحی کشور اتفاق افتاده است، از این جهت نبوده است که سربازان و افسران ما توانایی مقابله با دشمن را نداشته اند، بلکه به علت سپردن وظایف مهم به کسانی بوده است که از شایستگی مسلکی برخوردار نبوده، و با ملاحظات غیر مسلکی در آن مناصب گماشته شده بودند.»

این پیام رئیس جمهور، روشن می سازد که پروسه ی استخدام مقامات دولتی افغانستان، چنانچه ادعا می شد، شفاف و بر اساس شایسته سالاری نبوده است و فشارهای سیاسی و نفوذ افراد قدرتمند در امر استخدام های دولتی نقش مهم و اساسی داشته است. رئیس جمهور در ادامه ی پیامش به این نکته بصورت غیر مستقیم اشاره کرده است و آن را عامل اصلی نامی ها دانسته است.

رئیس جمهور در این رابطه گفته است: «فشار آوردن بر مسئولین برای تعیین افراد نالایق در مناصب نظامی، از علل عمده تلفات نظامی و ملکی بوده است. تداوم این وضعیت به هیچ صورت قابل تحمل نیست، و کسانی که در برابر اصلاحات مقاومت کنند و یا در فساد و مافیای نقش داشته باشند، با آنان برخورد قاطع خواهد شد. از این پس، باید ترفیحات افسران اردو و پلیس بر اساس دست آورد محسوس مسلکی صورت بگیرد. اصلاحات در بدنه نظام بجای نمی رسد اگر در ارگان های مهم آن اصلاحات صورت نگیرد، و باید بگویم که بدون آن نه برنده جنگ خواهیم بود و نه برنده صلح.»

سرمقاله

به هیچ کسی نباید اجازه اختلاف اندازی داده شود

محمد رضا هویدا

رویدادهای تازه در ولایات های مختلف کشور که سبب سقوط بخش هایی از مناطق و ولایات کشور شد، باری دیگر نگاه ها را متوجه نهادهای امنیتی و مقامات محلی در این ولایات کرد. ورود طالبان به قندوز برای دومین بار، حملات سنگین و سهمگین طالبان بر ولایت هلمند و... موجی از خشم و ناامیدی را در میان مردم به وجود آورده است. قندوز و هلمند تنها ولایاتی نیستند که در چنین وضعیتی قرار گرفته، مناطق مختلف دیگری نیز در تهدید جدی دشمنان قرار دارند.

موضوع حادی که در این روزها در رسانه های گروهی و اجتماعی خبرساز شده، اتهام های مسئولان علیه یکدیگر و کشاندن موضوعات امنیتی و سیاسی به سطح رسانه های گروهی و اجتماعی و مخلوط کردن آن با بحث های اختلاف برانگیز است. احتمالاً کسانی که تلاش می کنند چنین موضوعاتی را دامن بزنند، قصد دارند تا در پشت پرده تنش های قومی و لسانی پنهان شوند و از آبی که خود گل آلود کرده اند ماهی مقصودشان را بگیرند.

شکی در این نیست که افغانستان، همان گونه که از نگاه امنیتی آسیب پذیر است، از نگاه اجتماعی نیز در حالت نابسامانی قرار دارد. بسیاری کسانی که حساسیت های مختلف در دامن می زنند تا بتوانند نفعی ها و کاستی ها و اشتباهات خود را بپوشانند. این حربه در بسا موارد در افغانستان برای عده ای مفید واقع شده است.

اما مقامات عالی رتبه دولتی و خصوصاً شخص رئیس جمهوری باید، توجه داشته باشد که: سقوط یک منطقه، ولسوالی یا ولایت مسئله کم اهمیتی نیست که بتوان به راحتی از آن گذشت. همه مقامات محلی که در یک منطقه و یا ولایت کار می کنند، اعم از والی، قوماندان امنیه، پولیس... موظف به پاسخ دهنی هستند. پیش از این معمولاً چنین مواردی با تشکیل کمیسیون ها و اهماال کاری ها در نهایت کار و نتیجه کار به فراموشی سپرده می شد. دیگر اینکه طرح مسایل تفرقه انگیز به هر بهانه ای و از طرف هر کسی که باشد، باید مورد پیگرد و توجه جدی قرار گیرد. کسانی که مسایل تفرقه انگیز را دامن می زنند و مطمئن هستند که با چنین حربه فضای سیاسی و اجتماعی متشنج شده و گل می شود، و آنگاه آنان با خیال راحت به مقصود خود می رسند، باید از سوی حکومت شناسایی شده و به پنجه قانون سپرده شوند. ایجاد تفرقه میان مردم و اقوام در حال حاضر بدترین جرم است. دولت مردان، برای راهی از چنین وضعیتی باید، فرهنگ تهمت و افترا به دیگران را از بین ببرند. کسانی که ادعایی علیه کسی دیگری می کنند، باید به صورت قانونی و حقوقی اثبات کند و در غیر این صورت باید به عنوان یک مجرم تحت پیگرد قرار گیرد. دولت نباید اجازه دهد که منسوبین دولتی به جای کار و قبول مسئولیت به دنبال تهمت و افترا بستن به یکدیگر باشند.

ادبیات سیاسی افغانستان و خصوصاً در رسانه های اجتماعی ملو از کینه و نفرت پرانی علیه اقوام و اشخاص است. در بسیاری از موارد چنین جریان هایی مشخصاً به دنبال تخریب روحیه وحدت ملی و استفاده های شخصی هستند. ضعف حکومت در مقابله با این مشکل سبب قوت یافتن آن شده است. برای مردم افغانستان قابل قبول نیست که مقامات مسئول محلی پس از شکست در مقابل طالبان با طرح مسایل تفرقه انگیز، فاز دیگری برای شکست مردم و ترویج اختلافات را باز کنند.

در نهایت باید گفت که مسایل قندوز، هلمند و بسیاری از مناطق دیگر کشور باید با جدیت مورد بررسی قرار گیرند و افراد مجرم شناسایی شده و به سزای اعمالشان برسند. قندوز و هلمند تجربه های سخت جنگ، مقاومت، همدلی و برادری در کشور هستند که باید درست مدیریت شوند و نباید به توطیه گران اجازه داد تا میان مردم افغانستان اختلاف بیاندازند و بر پرونده خود سربوش بگذارند.

افغانستان و پانزده سال حضور جامعه جهانی

رضا احسانى



پانزده سال قبل در ماه اکتوبر ۲۰۰۱ ایالات متحده آمریکا در قالب ائتلاف مبارزه با تروریسم وارد خاک افغانستان شد. هدف اولی و اساسی این مبارزه شکست و نابودی شبکه القاعده و گروه طالبان در افغانستان بود.

افغانستان در زمان طالبان از سوی جامعه جهانی به فراموشی سپرده شده بود و حتا پایگاه های شبکه القاعده و از همه مهمتر جنایت های جنگی و ضد بشری طالبان در نقاط مختلف افغانستان و از جمله در مزار شریف، بکاولنگ و ولایات شمالی نیز با سکوت و بی توجهی سازمان ملل و کشورهای مدافع دموکراسی و حقوق بشر مواجه گردید.

در این کشور آغاز نماید. شاید آمریکا و تمامی کشورهای عضو ائتلاف هرگز فکر نمی کردند که ایمن حضور بیش از پانزده سال طول بکشد و صدها میلیارد دالر برای آمریکا هزینه داشته باشد.

جنگ افغانستان از طولانی ترین جنگ های آمریکا و ناتو در بیرون از مرزهای شان به حساب می آید و این جنگ علاوه بر تلفات نیروهای بین المللی، هزینه های اقتصادی سنگینی را بر آمریکا و سایر اعضای ائتلاف تحمیل کرده است.

حال پس از پانزده سال این سؤال مطرح می شود که دستاورد این حمله برای آمریکا، ناتو و افغانستان چه بوده است؟ دستاورد حضور دراز مدت نظامی آمریکا را می توان با توجه به اهداف اولیه این کشور در افغانستان مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

ابتدایی ترین هدف آمریکا و ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم در افغانستان، شکست طالبان و القاعده بود که بعدها گسترش پیدا کرد و ایجاد یک نظام دموکراتیک، فراگیر و همه شمول، تأسیس نهادهای قانونی و بازسازی زیربنای اقتصادی و فرهنگی این کشور را نیز دربر گرفت.

آمریکا و ائتلاف مبارزه با تروریسم، نتوانست طالبان و شبکه القاعده را شکست دهد و آنها را از خاک افغانستان بیرون براند. آمریکا تلاش کرد تا بن لادن رهبر شبکه القاعده را دستگیر کند. اگرچه آمریکا در این تلاش خود ناکام ماند و بن لادن نتوانست از افغانستان فرار کند؛ اما این حال شکست طالبان و القاعده در

افغانستان پیروزی چشمگیر برای آمریکا به حساب می آید. ضعف بزرگ آمریکا همراه با متحدان بین المللی اش این بود که آنها پس از شکست طالبان و القاعده در افغانستان یک برنامه استراتژی مشخص نداشتند. باید چه می کردند؟ اگر در این مرحله مأموریت خود را تمام یافته می دانستند و افغانستان را ترک می کردند، این گروه ها با حمایت گروه های تروریستی موجود در آن سوی خط دیورند و حمایت برخی کشورهای افغانستان داشتند، به زودی وارد خاک افغانستان شده و بار دیگر حاکمیت را در این کشور در دست می گرفتند.

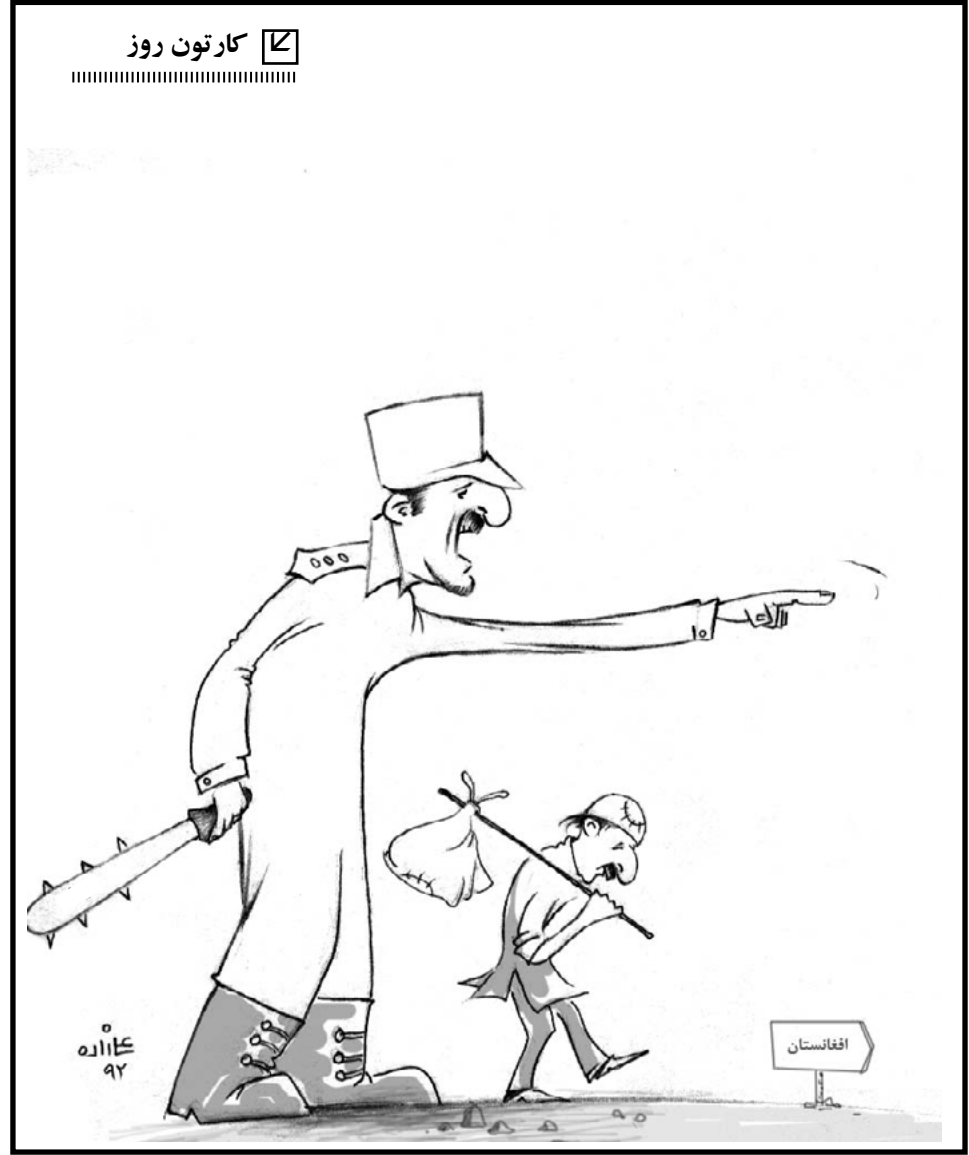
اگر کسی مانند آن تنها از ورود مجدد نیروهای طالبان و القاعده به افغانستان سبب شد به حاکمیت طالبان پایان دهد و به تشکیل حکومت انتقالی و انتخابی کمک کند و بستر رشد و پیشرفت قابل توجه را در زمینه های تعلیمی و تحصیلی، صحت، بازسازی سرک های حلقوی و تأسیس نهادهای قانونی و غیره، فراهم سازد، یک موفقیت به حساب می آید؛ اما چالش های نامنی، فساد، قانون گریزی، ضعف کارکرد نهادهای دولتی از مسایلی اند که مأموریت ناتو و جامعه جهانی را در افغانستان ناقص و ناتمام می گذارد. حال جامعه جهانی و حکومت افغانستان با همکاری های نزدیک و مداوم با همدیگر می توانند این کمبودها را در دمه تحول جریان سازند و در برتو همکاری های مشترک، این کشور را به جاده صلح و ثبات دائمی هدایت کنند.

جهانی به افغانستان سرازیر شد. متأسفانه این کمک ها به صورت ناهماهنگ و برنامه ریزی نشده به افغانستان آمد و کشورها، اغلب بدون در نظر داشت ضرورت های اساسی مردم، به مصرف رساندند. این ناهماهنگی و بی برنامهگی از یک سو هزینه پروژه ها را بالا برد، از سوی دیگر نظارت از پروژه ها را ناممکن ساخت و از همه مهمتر فرهنگ فساد و سوء استفاده از کمک ها را در کشور نهادینه کرد.

در بخش امنیتی نیز رویکردهای متضاد و متناقض اعضای ناتو در ارتباط باهراس افگنان و از جمله طالبان، سبب برگشت دوباره طالبان به افغانستان گردید. جداسازی طالبان و برخی گروه های دیگر از شبکه های تروریستی، اشتباه استراتژیک و غیر قابل جبران ائتلاف جهانی در عرصه مبارزه با تروریسم بود.

محدود سازی تعریف تروریسم در شبکه القاعده، گروه طالبان و سایر گروه های شورشی در افغانستان را فرصت داد تا ساحت نفوذ و قدرت خود را بار دیگر در افغانستان گسترش دهند. اگر سیاست های ائتلاف بر فشار نظامی بیشتر روی طالبان و سایر گروه های شورشی متمرکز می شد، امروز ما شاهد مانورهای نظامی طالبان در سراسر کشور نمی بودیم.

اگر مجموع کمک های جامعه جهانی به افغانستان چنانچه از ابتدا تحت یک برنامه و استراتژی مشخص و با توجه به نیازمندی های اساسی جامعه به مصرف می رسید و میکانیزم نظارتی برای آن در نظر گرفته می شد، امروز مردم افغانستان به این وضعیت نکبت بار بیچارگی و فقر گرفتار نمی شدند. بنابراین حضور جامعه جهانی از که این سبب شد به حاکمیت طالبان پایان دهد و به تشکیل حکومت انتقالی و انتخابی کمک کند و بستر رشد و پیشرفت قابل توجه را در زمینه های تعلیمی و تحصیلی، صحت، بازسازی سرک های حلقوی و تأسیس نهادهای قانونی و غیره، فراهم سازد، یک موفقیت به حساب می آید؛ اما چالش های نامنی، فساد، قانون گریزی، ضعف کارکرد نهادهای دولتی از مسایلی اند که مأموریت ناتو و جامعه جهانی را در افغانستان ناقص و ناتمام می گذارد. حال جامعه جهانی و حکومت افغانستان با همکاری های نزدیک و مداوم با همدیگر می توانند این کمبودها را در دمه تحول جریان سازند و در برتو همکاری های مشترک، این کشور را به جاده صلح و ثبات دائمی هدایت کنند.



بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
 مدیر مسول: محمد رضا هویدا
 سردبیر: حفیظ الله زکی
 کاریکاتورست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
 مسئول و ساین: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۴

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
 هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
 مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
 مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com
 Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

The Daily Afghanistan Ma
 Outlook
 The Leading Independent Magazine